



وزارت امور خارجه

معاونت امور حقوقی و بین المللی

چگونه اعتراضات مسالمت آمیز

به سوی آشوب‌های سازمان یافته منحرف شد

«یک دیدگاه حقوقی»

دی ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۶	فصل اول) حق تجمع مسالمت آمیز
۶	الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶	ب) حقوق بین الملل بشر
۷	ج) اعتراضات مسالمت آمیز
۱۰	د) وظیفه دولت در حفظ و بازگرداندن نظم عمومی
۱۲	فصل دوم) اقدامات خشونت آمیز و خرابکارانه مختل کننده اعتراضات مسالمت آمیز
۱۲	الف) حمله به تأسیسات پزشکی و آمبولانس ها
۱۳	ب) حمله به مراکز درمانی و انبارهای امدادی
۱۴	ج) اقدامات خرابکارانه علیه مراکز مذهبی
۱۷	د) حمله به مدارس و کتابخانه ها
۱۷	ه) خسارت به زیرساخت های عمومی
۲۰	فصل سوم) اعمال تروریستی
۲۰	الف) حقوق بین الملل قابل اعمال
۲۱	ب) واکنش های بین المللی به حوادث مشابه
۲۳	ج) مصادیق اعمال تروریستی
۲۴	۱. حمله به عموم مردم
۲۷	۲. هدف قراردادن نیروهای مجری قانون
۳۰	د) تأمین مالی تروریسم
۳۲	فصل چهارم) مداخله خارجی
۳۶	فصل پنجم) استفاده از رسانه برای تحریک به ارتکاب تروریسم
۳۹	فصل ششم) حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی
۴۰	الف) تعرض ناپذیری اماکن دیپلماتیک و کنسولی
۴۱	ب) وظایف کشور پذیرنده
۴۲	سخن پایانی

جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس خود در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) بر اصول و ارزش‌های دیرینه خود استوار باقی مانده است. ایران با تکیه بر سه رکن عزت، حکمت و مصلحت، روابط بین‌المللی خود را مبتنی بر احترام متقابل با سایر کشورها دنبال کرده و دنبال می‌کند.

با این حال، ایران در طول تاریخ خود از توطئه‌های گاه و بیگاه با ماهیت شرورانه بی‌نصیب نبوده است. برخی کشورها با شعارهای ریاکارانه و پوچ، به ویژه در سوءاستفاده از هر فرصت ممکن برای مقابله با منافع ملت ایران فعال بوده‌اند. حتی مدت‌ها پیش از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، همان‌طور که اسناد افشا شده توسط دولت آمریکا در ژوئن ۲۰۱۷ تأیید می‌کند، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ اوت ۱۹۵۳) توسط آمریکا و انگلیس در ایران طراحی و اجرا شد که به تقویت حکومت پادشاهی دست‌نشانده ایران انجامید. پس از ۱۳۵۷ نیز از حمایت مستقیم و غیرمستقیم از رژیم صدام در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران در دهه ۶۰ گرفته تا تجاوز ۱۲ روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی و فشار اقتصادی نظام‌مند و سازمان‌یافته چندوجهی از طریق اقدامات قهرآمیز یکجانبه، تنها بخشی از تلاش‌های ناموفق آنان با هدف تضعیف امنیت ملی ایران بوده است.

نا آرامی‌های ژانویه ۲۰۲۶ (دی ۱۴۰۴) در ایران، آخرین توطئه ناموفقی است که توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی و حمایت مالی شد و توسط عوامل آنان در ایران پس از تحت فشار قرار دادن اقتصاد کشور از طریق تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه و در نتیجه کاهش ارزش پول ملی ایران به اجرا رسید. این یک ارزیابی نیست، بلکه یک سیاست اعلام شده توسط آمریکا و متحدانش است که اخیراً در اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا در ۱ بهمن ۱۴۰۴ (۲۱ ژانویه ۲۰۲۶) مبنی بر اینکه تحریم‌ها «کارساز بوده‌اند» [۱] و این اقدامات قهرآمیز یکجانبه بوده که مردم را در ایران به خیابان‌ها کشانده است، تجلی یافته است! اینگونه است که فشار اقتصادی به اعتراضات مشروع و مسالمت‌آمیز تبدیل شده و سپس زمینه را برای اقدامات خشونت‌آمیز، تخریب اموال و تروریسم ایجاد می‌کند.

در روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۵)، در پی افزایش نرخ ارز، تجمعات صنفی مسالمت‌آمیز توسط برخی بازاریان در بازار بزرگ تهران شکل گرفت. این تجمعات با انگیزه نگرانی‌های اقتصادی و در واکنش به آثار منفی نوسانات ارزی بر فعالیت‌های تجاری، قدرت خرید و امنیت اقتصادی برگزار شد. خواسته اصلی شرکت‌کنندگان، بازگشت ثبات به بازار و اتخاذ تدابیر مؤثر برای مهار نوسانات در این بخش بود. از همان ابتدا، این تجمعات ماهیتی مسالمت‌آمیز و صنفی داشت و شرکت‌کنندگان در پی بیان خواسته‌های خود در محیطی آرام و بدون اختلال در نظم عمومی بودند.

چند روز پس از شروع اعتراضات مذکور، رئیس جمهوری اسلامی ایران با نمایندگان معترضان به گفت‌وگو نشست تا مستقیماً شنوای سخنان آنان باشد. جلساتی با حضور رئیس‌جمهور و برخی با حضور وزرای صنعت، معدن و تجارت و اقتصاد با رؤسای اتاق‌های اصناف و بازرگانی و تعدادی از فعالان اقتصادی برگزار شد. بدین ترتیب، اصناف و فعالان اقتصادی دغدغه‌های خود را بیان کردند، دولت گوش داد و در مرحله اول، اعتراضات رو به فرونشانی نهاد و جای خود را به گفت‌وگو داد تا صدای آنان شنیده شود و دستوراتی توسط دولت برای برطرف کردن نگرانی‌های مشروع آنان صادر گردید.

اما با تحریک و حمایت برخی کشورها، شخصیت‌های عمومی وابسته و رسانه‌های آنان، اعتراضات جای خود را به تخریب خشونت‌آمیز داد که خسارات جدی به جان و مال شهروندان، اعضای نیروی انتظامی و نیز اموال و ساختمان‌های عمومی مانند خودروهای پلیس و آتش‌نشانی، آمبولانس‌ها، مساجد و سایر اموال عمومی وارد آورد. در حالی که در برخی موارد از دستگاه‌های آتش‌زا مانند کوکتل مولوتف علیه مأموران انتظامی استفاده شد، مشارکت بیشتر برخی سلول‌های تروریستی در اغتشاشات منجر به ارتکاب جرایم شدید شد که به وضوح خارج از چتر حمایتی قوانین و مقررات مربوط به تجمعات مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد. در این میان، سلول‌های تروریستی با حمایت برخی کشورها از جمله از طریق رسانه‌های تحریک‌کننده به ترور، در نقض آشکار اصول تثبیت‌شده حقوق بین‌الملل، فعال شدند.

بر اساس بیانیه شورای امنیت ملی ایران در تاریخ ۲ بهمن ۱۴۰۴ (۲۲ ژانویه ۲۰۲۶)، نتیجه این حمایت‌ها و هدایت‌های شرورانه، شهادت ۲۴۲۷ تن از افراد بی‌گناه و نیروهای مجری قانون از مجموع ۳۱۱۷ جان‌باخته بود. بسیاری از کشته‌شدگان بی‌گناه در حال انجام کارهای روزمره، رفتن به محل کار یا بازگشت به خانه بودند و برخی تنها رهگذر بودند. تروریست‌ها در اجرای راهبرد کشته‌سازی، آنان را به قتل رساندند تا تعداد کشته‌شدگان افزایش یابد؛ هدف آنان ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان و تحریک آنان علیه دولت بود. این اقدامات همگام با تخریب اموال صورت گرفت که به آتش‌سوزی جزئی یا کامل یا نابودی موارد زیر انجامید: ۳۰۴ دستگاه آمبولانس و اتوبوس، ۷۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای، ۷۵۰ بانک، ۶۰۰ دستگاه خودپرداز، ۲۰۰ مدرسه، ۱۵ کتابخانه، ۴۱۴ ساختمان دولتی، ۳۰۰ منزل مسکونی خصوصی، ۸۰۰ خودروی شخصی، ۲۴ جایگاه پمپ بنزین، ۷۴۹ کلانتری، ۱۲۰ پایگاه بسیج (یگان حفاظت امنیت)، ۳۵۰ مسجد، ۲ کلیسای ارمنی و ۲۵۳ ایستگاه اتوبوس.

مراجع ذی‌صلاح جمهوری اسلامی ایران در تمامی مراحل ناآرامی‌های مذکور، با حسن‌نیت لازم عمل کردند تا زمینه‌های لازم برای برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز را فراهم آورند و همزمان از طریق روش‌های قانونی، حفاظت از جان افراد و اموال عمومی و خصوصی شهروندان را تضمین نمایند.

این گزارش در پی روشن‌گری در مورد برخی جنبه‌های واقعی و حقوقی اعتراضات و ناآرامی‌های متعاقب آن است که عمدتاً توسط تروریست‌ها در خدمت و تحت هدایت فرماندهان آمریکایی و صهیونیستی ایجاد شد. این موضوع فارغ از هرگونه یافته بعدی است که ممکن است از طریق به‌روزرسانی‌های آتی، تکمیل‌کننده این گزارش باشد.

فصل اول) حق تجمع مسالمت‌آمیز

در هر جامعه‌ای، شهروندان آزادند تا برای اعمال حقوق قانونی خود از جمله بهبود رفاه، علیه تصمیمات حاکمان خود به صورت مسالمت‌آمیز اعتراض کنند. قوانینی نیز برای تضمین این حق وضع شده‌اند. بدیهی است که این حق نمی‌تواند با حقوق قانونی دیگر شهروندان مانند حق حیات، تعارض پیدا کند. این تعهد دو وجهی بر دوش دولت‌ها و نیروهای انتظامی آنان است.

جمهوری اسلامی ایران نیز در این زمینه مستثنی نیست. ایران متعهد به رعایت و تضمین حق تجمع شهروندان خود است و این امر ریشه در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری مرتبط دارد که به طور خلاصه در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنیانی مستحکم برای حق آزادی تجمع فراهم می‌آورد. بر اساس این اصل، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است».

شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران مسئول بررسی انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی است. این نهاد رسماً اعلام کرده است که اعمال حق تجمع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته شده در اصل ۲۷ قانون اساسی، مستلزم کسب مجوز از مراجع ذی‌صلاح نیست.

در عین حال، بدیهی است که دولت نیز متعهد به حفاظت از امنیت ملی، نظم عمومی، ایمنی، سلامت و نیز حقوق و حیثیت دیگران است. بنابراین، تضمین اعمال صحیح، عملی و قانونی حق تجمع مسالمت‌آمیز تحت قانون اساسی ایران، مستلزم اتخاذ تدابیر قانونی در برابر هرگونه سوءرفتاری است که مبانی قانون اساسی را تهدید نماید.

ب) حقوق بین‌الملل بشر

جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دولت عضو چندین سند بین‌المللی حقوق بشر و مطابق با قانون اساسی و قوانین و مقررات داخلی، همواره تعهدات خود را برای تضمین و حفاظت از حقوق شهروندان جهت تجمع مسالمت‌آمیز محترم شمرده است. علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به

طور خاص ترتیباتی متضمن آزادی بیان (ماده ۱۹) و حق تجمع مسالمت‌آمیز (ماده ۲۱) در بردارد. حمایت از مورد اخیر، همراه با تضمین و حفظ امنیت ملت و نظم عمومی از جمله از طریق تعلیق موقت برخی تعهدات ذیل میثاق است.

ج) اعتراضات مسالمت‌آمیز

در روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۵)، در پی افزایش نرخ ارز، برخی بازاریان در بازار بزرگ تهران اعتراضات صنفی برگزار کردند. از همان ابتدا، این تجمعات ماهیتی مسالمت‌آمیز و صنفی داشت و شرکت‌کنندگان در پی بیان خواسته‌های خود به شیوه‌ای آرام و بدون اخلال در نظم عمومی بودند.



با گوش فرادادن به معترضان در میان تدابیر اصلاحی اقتصادی بی‌سابقه، رئیس جمهوری اسلامی ایران، وزیر صنعت و اقتصاد و سایر مقامات ذی‌صلاح، جلساتی با نمایندگان اصناف و بخش تجارت برگزار کردند تا مستقیماً صدای آنان را بشنوند. بنابراین، تمامی شرکت‌کنندگان از بخش بازرگانی دغدغه‌های خود را بیان کردند،

دولت گوش فرا داد و در مرحله اول اعتراضات رو به خاموشی نهاد و جای خود را به گفت‌وگو و صدور دستوراتی با هدف رفع نگرانی‌های آنان داد.



با این حال، از ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ ژانویه ۲۰۲۶) به بعد، اعتراضات به سوی اغتشاش و تخریب اموال شهروندان از جمله اموال عمومی و خصوصی منحرف شد. بنابراین، اغتشاشگران خشونت‌طلب، اعتراضات عمومی معطوف به معیشت را مصادره و از مسیر اصلی خود منحرف کردند؛ واقعه‌ای که نقش فعال تروریست‌ها را نیز آشکار ساخت. شدت خشونت، ماهیت مسلحانه اغتشاشات، حملات تروریستی برنامه‌ریزی‌شده و از پیش طراحی شده علیه نیروهای امنیتی، تخریب ساختمان‌های دولتی و سایر ساختمان‌های عمومی و خصوصی، مراکز درمانی، تجاری، فرهنگی و مذهبی، و نیز تأسیسات حمل و نقل، به وضوح نشان‌دهنده وجود یک طرح سازمان‌یافته و هماهنگ برای ایجاد ناآرامی و ناامنی در کشور بود.

شایان ذکر است که اظهارات ضدایرانی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی توسط مایک پمپئو، رئیس پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، که در آستانه برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیز اعلام کرد مردم ایران تنها نیستند و صراحتاً ادعا کرد عوامل موساد در میان آنان حضور دارند، مؤید هدایت اغتشاشات از سوی این کشور

بود. قصد برخی کشورهای غربی این بوده است که عامدانه اعتراضات مشروع مردم ایران را مصادره کرده، نخست به هرجومرج و ناآرامی کشانده و سپس به سکوی فعالیت عملیاتی گروه‌های تروریستی تبدیل نمایند.



Mike Pompeo
@mikepompeo

The Iranian regime is in trouble. Bringing in mercenaries is its last best hope.

Riots in dozens of cities and the Basij under siege — Mashed, Tehran, Zahedan. Next stop: Baluchistan.

47 years of this regime; POTUS 47. Coincidence?

Happy New Year to every Iranian agent walking beside them...

@realDonaldTrump @SecRub

3:01 PM · Jan 2, 2026 · 3.2M Views

1.9K

3.4K

2.4K

2.3K



Happy New Year to every Iranian in the streets. Also to every Mossad agent walking beside them...



د) وظیفه دولت در حفظ و بازگرداندن نظم عمومی

در جریان اغتشاشات، شمار زیادی از اموال عمومی و خصوصی به آتش کشیده یا غارت شد. تعداد قابل توجهی از پرسنل نیروی انتظامی و شهروندان عادی در اثر تیراندازی اغتشاشگران و استفاده از سلاح سرد و گرم کشته یا زخمی شدند. مراکز اداری-خدماتی و تأسیسات خدمت‌رسانی عمومی از جمله بانک‌ها، دستگاه‌های خودپرداز، آمبولانس‌ها، وسایل نقلیه حمل و نقل عمومی، خودروهای پلیس و آتش‌نشانی، اماکن مذهبی، همراه با اموال و اماکن خصوصی، تخریب یا سوزانده شدند.

اقدامات مجرمانه اغتشاشگران با هدف وارد آوردن خسارات گسترده به اموال عمومی و خصوصی، نقض آشکار حق مالکیت، آزادی تردد، ایمنی و امنیت، حق کار، سلامت جسمی و روانی، و حق دسترسی به خدمات عمومی صورت گرفت. بنابراین، آشکار است که در چنین شرایطی، مأموران انتظامی مکلفند در انجام وظایف قانونی خود، اقدامات مناسب و قانونی برای حفظ و تضمین ایمنی، امنیت و نظم عمومی انجام دهند. بدیهی است استفاده از سلاح و تجهیزات ایجادکننده رعب، توسل به خشونت علیه مردم و مأموران انتظامی، حمله به اموال و تأسیسات عمومی، دولتی و خصوصی و به آتش کشیدن آن‌ها، تجمع مسالمت‌آمیز محسوب نمی‌شود و مسئولیت قانونی به همراه دارد. در این شرایط، پلیس جمهوری اسلامی ایران از نظر قانونی موظف به بازگرداندن نظم و امنیت عمومی برای همه شهروندان است.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در برخورد با اغتشاشات و تهدیدات علیه امنیت داخلی، مبتنی بر حداقل استفاده از زور است. در وضعیت حاضر، این اغتشاشگران بودند که با سوءاستفاده از خویشتن‌داری و مدارای اعمال شده توسط نیروهای مسئول حفظ نظم عمومی، حداکثر خشونت را به کار بستند و اقدامات خود را به فعالیت‌های مسلحانه و شبه‌نظامی ارتقا دادند.

در این چارچوب، از زمانی که تروریست‌ها شروع به سوءاستفاده از اتصال اینترنت برای هماهنگی عملیات‌های خود کردند، مراجع ذی‌صلاح دسترسی به اینترنت را به منظور جلوگیری از اقدامات بیشتر علیه امنیت ملی و نظم عمومی محدود کردند. طبیعی است ماده ۲۹ (۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت‌های موقت بر برخی حقوق (از جمله دسترسی به اینترنت) در وضعیت‌های اضطراری را پیش‌بینی می‌کنند.

در حالی که مأموران انتظامی حداکثر خویشتن‌داری را در رویارویی با خرابکاران و تروریست‌ها به خرج دادند، بسیاری از آنان برای ایمنی و امنیت شهروندان ایرانی جان خود را فدا کردند. مطابق قوانین و مقررات موجود دادگاه‌های ویژه‌ای برای تضمین محاکمه عادلانه تمامی افراد درگیر در جرایم ارتكابی و حمایت از حقوق آن دسته

از شهروندانی که عزیزان خود را از دست داده‌اند یا اموال آنان در اثر اقدامات خرابکارانه و تروریستی در طول ناآرامی‌ها آسیب دیده است، تعیین شده‌اند.

فصل دوم) اقدامات خشونت‌آمیز و خرابکارانه مختل‌کننده اعتراضات مسالمت‌آمیز

معترضانی که به صورت مسالمت‌آمیز در نقاط مختلف ایران گرد هم آمده و خواستار اقدامات اصلاحی اقتصادی بودند، تضعیف و مصادره کامل حق خود توسط خرابکاران و تروریست‌هایی را نظاره‌گر شدند که عمدتاً تحت تحریک برخی کشورها و رسانه‌های وابسته به آنان اقدام می‌کردند. دسته‌ای از این افراد که بخشی از آنان متعلق به گروه‌های تروریستی شناخته شده و برخی تحت هدایت عناصر تروریستی بودند و عملاً همگی توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی پشتیبانی می‌شدند، به اقدامات خشونت‌آمیز شدیدی علیه شهروندان عادی روی آورده و از سلاح سرد و گرم و مواد آتش‌زا استفاده کردند.

این امر به سرعت به صورت تهدیدی مستقیم علیه جان، مال و امنیت شهروندان از همه اقشار پدیدار شد. جاده‌ها مسدود شدند، خودروهای امدادی مانند آمبولانس و خودروهای آتش‌نشانی با مانع مواجه شدند، اموال عمومی و خصوصی به آتش کشیده شد، زندگی عمومی به شدت مختل گردید و شهروندان از طریق تخریب اموال در اشکال و ابعاد متفاوت مرعوب شدند. بر اساس بیانیه شورای امنیت ملی ایران در تاریخ ۲ بهمن ۱۴۰۴ (۲۲ ژانویه ۲۰۲۶)، نتیجه این اقدامات شنیع، آتش‌سوزی یا تخریب جزئی یا کامل موارد زیر بوده است: ۳۰۴ دستگاه آمبولانس و اتوبوس، ۷۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای، ۷۵۰ بانک، ۶۰۰ دستگاه خودپرداز، ۲۰۰ مدرسه، ۱۵ کتابخانه، ۴۱۴ ساختمان دولتی، ۳۰۰ منزل مسکونی خصوصی، ۸۰۰ خودروی شخصی، ۲۴ جایگاه پمپ بنزین، ۷۴۹ کلانتری، ۱۲۰ پایگاه بسیج، ۳۵۰ مسجد، ۲ کلیسای ارامنه و ۵۳۲ ایستگاه اتوبوس.

در این بخش، نگاهی اجمالی به برخی مصادیق اقدامات خرابکارانه و تخریب اموال در دی ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) در ایران می‌اندازیم.

الف) حمله به تأسیسات پزشکی و آمبولانس‌ها

اغتشاشگران آموزش‌دیده عمداً و به صورت سازمان‌یافته به آمبولانس‌ها حمله کردند تا تلاش‌های امدادی را مختل کرده و تلفات انسانی را افزایش دهند. بر اساس گزارش‌های اولیه که هنوز در حال تکمیل است، بیش از ۱۸۰ آمبولانس در سطح کشور مورد حمله اغتشاشگران واقع شد. تعداد زیادی از این آمبولانس‌ها به کلی تخریب شدند، به آتش کشیده شده و غیرقابل استفاده شدند.

در برخی موارد، به آمبولانس‌هایی که در حال خدمت‌رسانی بودند حمله شد؛ این موارد در شهرهایی از جمله تهران، بهارستان، عنبرآباد، نکا، ایرانشهر، شمس‌آباد، کاشمر، خمین و تهران رخ داد که اغلب منجر به مصدومیت کادر پزشکی شد؛ در تهران، دو دستگاه آمبولانس در خیابان‌های پیروزی و شهران متوقف شدند و پس از خارج کردن اجباری بیماران، به آتش کشیده شدند.

تنها در تهران ۵۴ دستگاه آمبولانس به طور کامل نابود شد، در حالی که در مشهد یک دستگاه آمبولانس سوزانده و از خدمت خارج شد و ۸ دستگاه دیگر ۲۰ تا ۳۰ درصد خسارت دیدند.



یک آمبولانس که حین مأموریت توسط تروریست‌ها به آتش کشیده شده

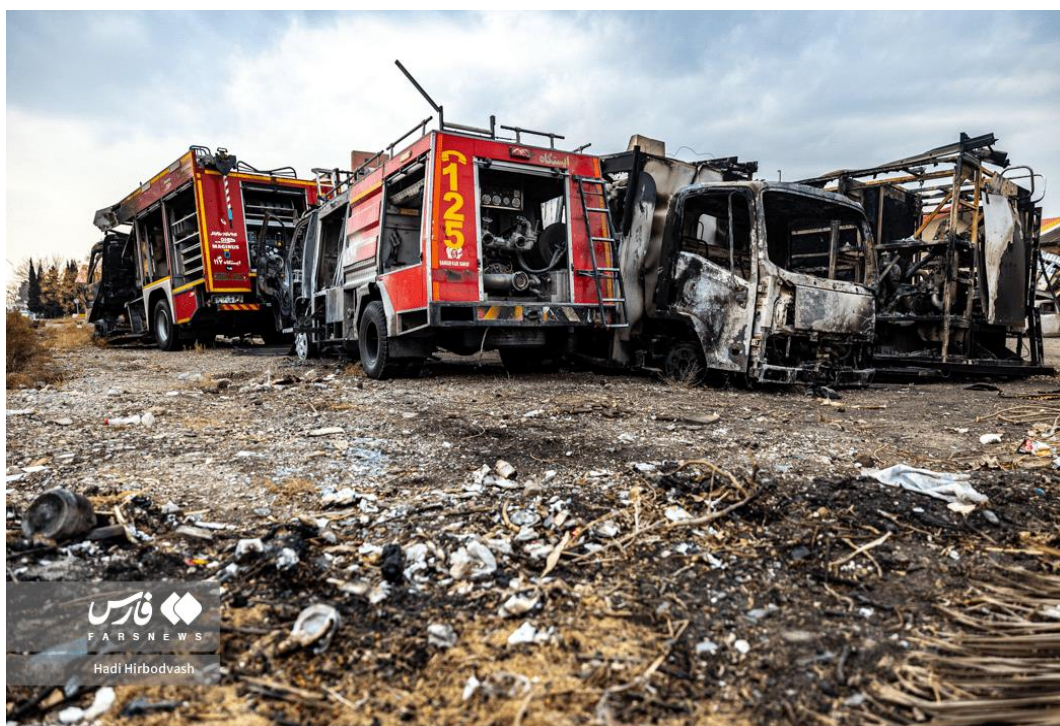
ب) حمله به مراکز درمانی و انبارهای امدادی

تعدادی از مراکز درمانی از جمله بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، ساختمان‌های اورژانس و هلال احمر مورد حمله و تخریب قرار گرفتند. این تخریب‌ها ظرفیت هلال احمر در ارائه خدمات امدادی را به شدت تضعیف کرد. برخی موارد قابل توجه به شرح زیر می‌باشند.

در تهران، به بیمارستان سینا حمله شد و اغتشاش‌گران گاز اشک‌آور به داخل محوطه بیمارستان پرتاب کردند. بیمارستان امام خمینی (ره)، به ویژه بخش اورژانس، در منطقه ملکشاهی ایلام، مورد حمله و آسیب قرار گرفت.

ساختمان‌ها و تجهیزات هلال احمر در تهران، خوزستان، اصفهان، کرمان، مرکزی، آذربایجان شرقی، و کهگیلویه و بویراحمد به شدت آسیب دیدند. در ایزده، انبار امدادی هلال احمر، یک مرکز حیاتی استانی در شمال

شرق و انبار پشتیبانی برای خوزستان، به آتش کشیده و به کلی طعمه حریق شد؛ تخریب به حدی شدید بود که تمامی خودروهای امدادی و تجهیزات جستجو و نجات نابود شدند.



چند خودرو آتش‌نشانی که توسط تروریست‌ها به آتش کشیده شده‌اند.

ج) اقدامات خرابکارانه علیه مراکز مذهبی

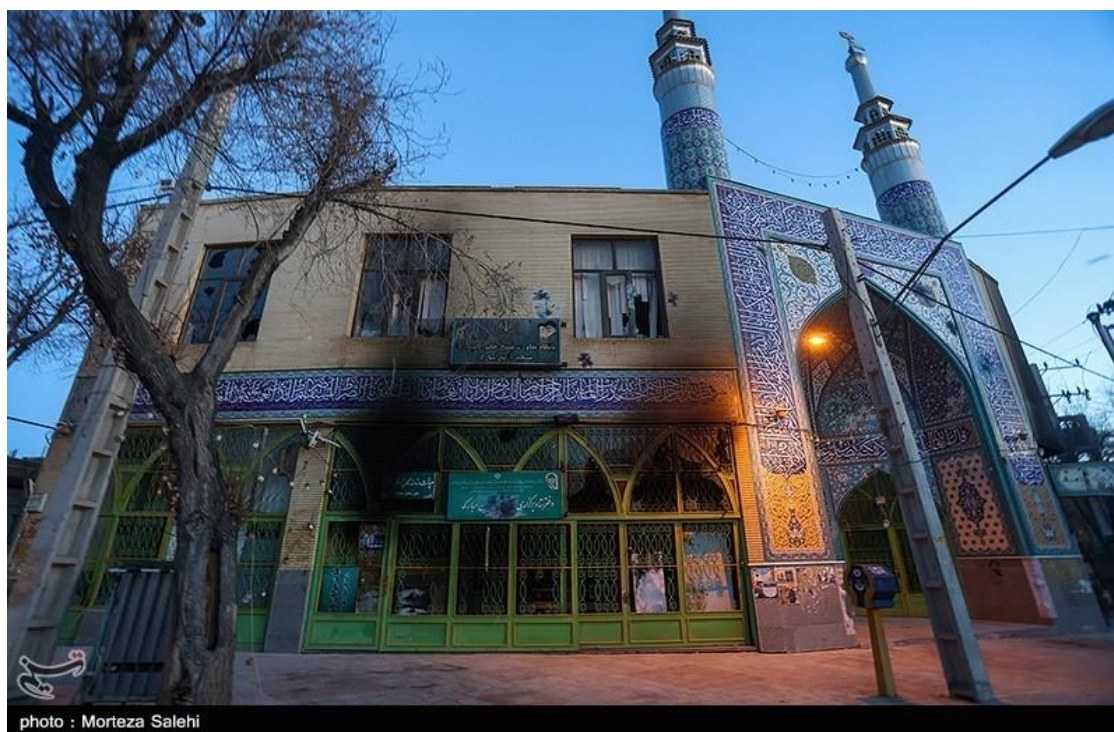
بر اساس آخرین گزارش‌ها، ۳۵۰ مسجد و نمازخانه (شامل دو کلیسای ارامنه) مورد اقدامات خرابکارانه و تخریب قرار گرفتند. در برخی موارد، مساجد در ساعات کاری به آتش کشیده شدند که منجر به کشته شدن شهروندان شد.

میزان خشونت و تخریب اموال مذهبی عمومی، و نیز فعالیت‌هایی مانند سوزاندن قرآن مجید، نشان‌دهنده خشونت و قساوت عاملان آن است.

به عنوان مثال، بر اساس گزارش‌های اولیه، در استان گیلان در شمال ایران، علاوه بر حمله و تخریب کامل یک مرکز مذهبی در شهر رشت، یک مسجد نیز مورد حمله اغتشاشگران قرار گرفت و خسارت گسترده‌ای دید.



نمایی از داخل مسجد سرابله، استان ایلام؛ فرش‌ها و سایر امکانات مسجد به خاکستر تبدیل شده‌اند.



مسجدالرسول در تهران که توسط تروریست‌ها به آتش کشیده شد.

د) حمله به مدارس و کتابخانه‌ها

در جریان ناآرامی‌های دی ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶)، ۲۰۰ مدرسه مورد تخریب خشونت‌آمیز قرار گرفت. بر اساس اعلام وزیر آموزش و پرورش، تعدادی از این مدارس آسیب جدی دیده و نیاز به بازسازی اساسی دارند. ۱۵ کتابخانه نیز مورد حمله قرار گرفتند که به تخریب جزئی و کامل آن‌ها منجر شد.

انتخاب مدارس و کتابخانه‌ها به عنوان هدف تخریب، یادآور تخریب مدارس و کلاس‌های درس توسط داعش در دهه ۲۰۱۰ است!

ه) خسارت به زیرساخت‌های عمومی

علاوه بر ۳۰۰ منزل مسکونی خصوصی و ۸۰۰ خودروی شخصی نابود شده، آخرین به‌روزرسانی‌ها حاکی از آن است که در روزهای ۱۹ و ۲۰ دیماه ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶)، حملاتی علیه ۴۱۴ ساختمان دولتی صورت گرفته است. سایر اموال آسیب‌دیده شامل ۷۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای، ۷۵۰ بانک، ۶۰۰ دستگاه خودپرداز، ۲۴ جایگاه پمپ بنزین و ۲۵۳ ایستگاه اتوبوس است.



بر اساس گزارش سازمان آتش‌نشانی تهران، در شب‌های ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶)، ۴۵۰ عملیات اطفای حریق انجام شد، ۲۶ منزل مسکونی متعلق به شهروندان عادی به آتش کشیده شد و ۴۰ بانک، ۱۵ مجتمع تجاری، ۱۳ مرکز دولتی و ۵۰ دستگاه خودروی آتش‌نشانی یا نابود شدند یا خسارت بسیار شدیدی دیدند.

در شیراز، استان فارس در جنوب ایران، در طی دو شب اغتشاش در پنج‌شنبه و جمعه ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶)، دو ساختمان شهرداری، چهار بانک، دو مسجد، یک ساختمان متعلق به کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۸۳ ایستگاه اتوبوس، و صدها تابلو و علائم شهری و راهنمایی و رانندگی یا به آتش کشیده یا به طور کامل توسط اغتشاشگران تخریب شدند.



اموال عمومی و خصوصی توسط خرابکارها تخریب شدند.

بر اساس گزارش‌های اولیه منتشر شده در استان گیلان در شمال ایران، در شهر رشت حدود ۲۰۰ مغازه به آتش کشیده شد. در این شهر، ساختمان‌های دولتی، مراکز درمانی، بانک‌ها، دستگاه‌های خودپرداز و زیرساخت‌های عمومی شهری مانند ایستگاه‌های اتوبوس و غیره نیز در روزهای پنج‌شنبه و جمعه ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه) هدف حملات سازمان‌یافته واقع شدند.

بر اساس گزارش‌های رسمی که هنوز به‌روزرسانی نشده‌اند، اموال دولتی، عمومی و خصوصی در سراسر استان خراسان رضوی در روزهای ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶) تخریب شدند. ۲۷ بانک عمومی و خصوصی به طور کامل نابود شدند، از جمله ۲۴ مورد در مشهد و ۳ مورد در دیگر شهرستان‌های استان؛ ۴۵ بانک خسارت دیدند (از جمله درب، پنجره، دستگاه‌های خودپرداز و دوربین‌های مداربسته). علاوه بر این، یک دستگاه «شهرنت» (برای خدمات دیجیتال خودکار) و یک کیوسک بانک شهر آسیب دیدند. ورود غیرقانونی به حریم تأسیسات زیربنایی آب، برق و ارتباطات استان و غارت اموال نیز گزارش شد که با تخریب قابل توجه ساختمان اداره آب و فاضلاب مشهد همراه بوده است؛ دفاتر و تجهیزات اداری ساختمان تأمین آب مورد حمله قرار گرفت و توسط کوکتل مولوتف نابود شد.

چندین ایستگاه پمپاژ آب نیز خسارت دیدند. اداره توزیع برق منطقه ۷ (میدان مادر، مشهد) مورد حمله قرار گرفت و دو دستگاه خودروی خدمات‌رسانی نابود شدند؛ یک ترانسفورماتور هوایی برق در تربت حیدریه، ساختمان مدیریت برق نیشابور، سایت‌های اصلی ایرانسل در استان از جمله ۳ سایت در داخل شهر مشهد، و نیز ۹ کابینت کراس‌کانکت مخابراتی در سراسر استان نیز نابود شدند؛ مغازه‌های عادی نیز در امان نماندند: ۵۵ شعبه از فروشگاه‌های افق کوروش در سراسر استان خراسان رضوی مورد حمله و غارت قرار گرفت. ۶ دستگاه اتوبوس حمل و نقل عمومی نیز در شهرداری مشهد به آتش کشیده شدند.

فصل سوم) اعمال تروریستی

در جریان ناآرامی‌ها، تروریست‌ها احتمالاً از فرصتی که مدت‌ها در انتظار آن بودند، به صورت سازمان‌یافته برای اجرای برنامه‌های از پیش طراحی شده خود به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و توسل به اقدامات خشونت‌آمیز تروریستی استفاده کردند. به ویژه پس از پست رئیس‌جمهور آمریکا در شبکه اکس (توییتر سابق) در ۱۳ دی ۱۴۰۴ (۲ ژانویه ۲۰۲۶) مبنی بر اینکه آمریکا «آماده و مسلح» است، بسیاری از شهروندان عادی و نیروهای مجری قانون جان خود را از دست دادند. برخی در حال انجام کارهای روزمره، رفتن به محل کار یا بازگشت به خانه بودند و برخی تنها رهگذر بودند. تروریست‌ها آنان را به قتل رساندند تا تعداد کشته‌شدگان افزایش یابد و هدف آنان ایجاد رعب در میان شهروندان و تحریک آنان علیه دولت بود. بر اساس بیانیه شورای امنیت ایران در تاریخ ۲ بهمن ۱۴۰۴ (۲۲ ژانویه ۲۰۲۶)، نتیجه چنین راهبرد کشته‌سازی، شهادت ۲۴۲۷ تن از افراد بی‌گناه و نیروهای مجری قانون از مجموع ۳۱۱۷ کشته بود.

علاوه بر هدف قرار دادن مردم عادی به صورت بی‌قاعده، سایر ویژگی‌های بارز اقدامات ارتكابی، این موارد را در بر می‌گیرد: استفاده از شهروندان عادی، به ویژه زنان و نوجوانان، به عنوان پوشش و به کارگیری روش عملیاتی خاص مشابه آنچه توسط داعش استفاده می‌شود، از جمله سربردن و زنده‌سوزاندن قربانیان. همه این اقدامات همگام با تخریب عمدی و بی‌رویه اموال عمومی و خصوصی انجام شد که آن هم مختص جرایم هولناک ارتكابی توسط داعش بود.

بنابراین، بسیاری از اقدامات ارتكابی در طول ناآرامی‌ها یا ماهیت تروریستی داشتند یا توسط سلول‌های تروریستی انجام شدند و باید از این منظر از نظر قانون حاکم و حوادث مشابه در گذشته تحلیل شوند. این موضوع به طور خلاصه در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد.

الف) حقوق بین‌الملل قابل اعمال

جامعه بین‌الملل مدت‌هاست در تلاش برای هماهنگ کردن یک مبنای قانونی برای تعریف و مقابله با تروریسم بوده است. نتیجه چنین تلاش‌هایی، قطعنامه‌های فراوانی بوده است که علیرغم تفاوت در جزئیات، آنچه را که عنصر مادی و معنوی یک عمل تروریستی را تشکیل می‌دهد، توصیف می‌کنند. بنابراین، یک تعریف مبتنی بر اجماع از تروریسم در زیر به شرح زیر قابل تبیین می‌باشد:

«هر عملی که با قصد ایجاد مرگ یا صدمات جدی بدنی علیه یک غیرنظامی، یا علیه هر شخص دیگری که در درگیری مسلحانه مشارکت ندارد، هنگامی که هدف چنین عملی، با ماهیت یا بافت آن، مرعوب کردن یک جمعیت، یا وادار کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام هر عملی باشد.»

همچنین، به عنوان نمونه، قطعنامه ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) شورای امنیت سازمان ملل متحد، ضمن محکوم کردن همه اشکال تروریسم، بر وظیفه دولت‌ها در پیشگیری از اعمال مجرمانه، از جمله آن‌هایی که علیه غیرنظامیان با قصد ایجاد مرگ یا صدمات جدی بدنی، یا گروگان‌گیری، از طریق ایجاد حالت رعب در عموم مردم یا در گروهی از افراد انجام می‌شود، تأکید می‌کند.

راهبرد جهانی مقابله با تروریسم (A/RES/77/298) نیز از دولت‌های عضو می‌خواهد تا عدم مدارا با تروریسم را صرف نظر از اهداف یا انگیزه‌های آن که علیه اعضای جوامع مذهبی و دیگر جوامع در مناطق مختلف جهان صورت می‌گیرد، تضمین کنند و نگرانی عمیق خود را از هدف قرار دادن اموال فرهنگی، از جمله اماکن مذهبی و اشیای آیینی توسط تروریست‌ها برجسته می‌سازد.

(ب) واکنش‌های بین‌المللی به حوادث مشابه

شورای امنیت سازمان ملل متحد حوادث خشونت‌آمیز خاصی را بر اساس ماهیت و هدف ذاتی آن‌ها به عنوان اعمال تروریستی تعیین می‌کند. معیار تعیین‌کننده صرفاً خود خشونت نیست، بلکه طراحی عمدی آن برای مرعوب کردن جمعیت غیرنظامی و ایجاد فضایی فراگیر از ترور است. این موضوع در زبان ثابت به کار رفته در بیانیه‌های مطبوعاتی شورای امنیت که طی آن حملات تروریستی محکوم شده، انعکاس یافته است.

مطالعات موردی زیر این مضمون مرکزی یعنی ارعاب عمومی را نشان می‌دهد:

• مطالعه موردی ۱: حملات نوامبر ۲۰۱۵ پاریس (باتاکلان، استاد دو فرانس)

- حادثه: انفجارهای انتحاری هماهنگ و تیراندازی دسته‌جمعی در یک سالن کنسرت، ورزشگاه و کافه‌ها.

- محکومیت شورای امنیت: بیانیه مطبوعاتی SC/12131 (۱۴ نوامبر ۲۰۱۵).

- هسته ترور: شورا این حملات را به عنوان حمله به زندگی اجتماعی روزمره (سرگرمی، ورزش و گردهمایی‌های عمومی) محکوم کرد. با هدف قرار دادن مکان‌های مترادف با اوقات فراغت و محل اجتماع غیرنظامیان، هدف اولیه عبارت بود از در هم شکستن حس امنیت در فضاهای عمومی و وارد آوردن ضربه روانی در مقیاسی وسیع.

• مطالعه موردی ۲: حملات مارس ۲۰۱۶ بروکسل (فرودگاه و مترو)

- حادثه: انفجارهای انتحاری هماهنگ در یک فرودگاه بین‌المللی و یک ایستگاه متروی مرکزی.

- محکومیت شورای امنیت: بیانیه مطبوعاتی SC/12295 (۲۲ مارس ۲۰۱۶).

- هسته ترور: حملات، زیرساخت حیاتی حمل و نقل غیرنظامی را هدف گرفتند، با هدف فلج کردن حرکت عمومی و ایجاد وحشت جمعی. حمله به مراکز تردد روزانه و سفر، پیامی به صورت عامدانه حامل پیامی است مبنی بر اینکه هیچ‌جای زندگی عمومی در امان نیست و روال عادی را علیه جمعیت به سلاح تبدیل می‌کند.

• مطالعه موردی ۳: حمله ژوئن ۲۰۱۶ به فرودگاه آتاتورک، استانبول

- حادثه: حمله انتحاری در ترمینال بین‌المللی یک فرودگاه بزرگ.

- محکومیت شورای امنیت: بیانیه مطبوعاتی SC/12432 (۲۹ ژوئن ۲۰۱۶).

- هسته ترور: یک فرودگاه، نماد گشودگی و ارتباط است. حمله به آن، تهاجمی مستقیم به این موارد است که با هدف القای ترس در نقاط عبور و مرور و ایجاد یک فضای عمومی آکنده از سوءظن و وحشت در میان مسافران غیرنظامی طراحی شده است.

• مطالعه موردی ۴: حمله اوت ۲۰۱۷ بارسلون (لارامبلا)

- حادثه: یک وانت به صورت عمدی به عابران پیاده در یک پیاده‌رو معروف و شلوغ کوبیده شد.

- محکومیت شورای امنیت: بیانیه مطبوعاتی SC/12948 (۱۸ اوت ۲۰۱۷).

- هسته ترور: این حمله، یک پیاده‌رو عمومی باز و پر جنب‌وجوش را به منطقه‌ای مرگبار تبدیل کرد. استفاده از یک وسیله نقلیه ساده به عنوان سلاح، با هدف نشان دادن این صورت گرفت که هر فضای شلوغ غیرنظامی، آسیب‌پذیر است و در نتیجه احساس بنیادین امنیت در زندگی شهری را فرسوده و اضطراب عمومی ماندگاری ایجاد می‌کند.

• مطالعه موردی ۵: حملات یکشنبه عید پاک آوریل ۲۰۱۹، سریلانکا

- حادثه: انفجارهای انتحاری هماهنگ با هدف قرار دادن کلیساها و هتل‌ها در طول جشن‌های عید پاک.

- محکومیت شورای امنیت: بیانیه مطبوعاتی SC/13781 (۲۲ آوریل ۲۰۱۹).

- هسته ترور: هدف قرار دادن زائران در طول تعطیلات مذهبی و مورد احترام، و هدف‌گیری گردشگران در هتل، که هر دو به قصد هتک حرمت فضاهای پرستش و اجتماع صورت گرفت. فرد تروریست از برهم زدن این لحظات برای تشدید ضربه روانی و رعب و وحشت در جوامع خاص و فراتر از آن بهره می‌برد.

خشونت طراحی شده برای ارباب مردم (همان‌طور که در مطالعات موردی مشاهده شد) نمی‌تواند بدون منابع رخ دهد. بنابراین، با الزام قانونی دولت‌ها برای از هم گسستن شبکه‌های مالی تروریست‌ها، جامعه بین‌الملل ستون فقرات عملیاتی کمپین ترور علیه غیرنظامیان را هدف می‌گیرد.

بیانیه‌های قبلی شورای امنیت برجسته می‌کنند که تروریسم، به عنوان یک نگرانی بین‌المللی، اساساً با خشونتی که برای اجبار، مرعوب کردن و ارباب عموم مردم محاسبه شده، مشخص می‌شود. اهداف انتخاب شده، (میادین عمومی، مراکز حمل و نقل، اماکن مذهبی و فرهنگی) نه به خاطر ارزش نظامی، بلکه به دلیل نقش نمادین آن‌ها در زندگی روزمره انتخاب می‌شوند و هدف آن‌ها، سلاح‌سازی زندگی روزمره و جایگزینی وضعیت عادی با وحشتی فراگیر است.

دقیقاً همین قصد مجرمانه (mens rea) (این قصد آشکار برای مرعوب کردن) است که همراه با اعمال خشونت‌آمیز (عمل مجرمانه - actus reus)، منجر به تعیین آن‌ها به عنوان اعمال تروریستی می‌شود. بسیاری از اعمال خشونت‌آمیز ارتكابی در ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶) نه صرفاً به دلیل اثر فیزیکی آن‌ها، بلکه به این دلیل تروریسم محسوب می‌شوند که هدف آن‌ها صراحتاً ایجاد رعب در میان جمعیت است، معیاری که برای هر دو تعریف قانونی و سابقه شورای امنیت عنصری اساسی است.

این قصد، آمار تلفات را به تراژدی‌های انسانی عمیق تبدیل می‌کند و تجسم نهایی هزینه تروریسم است. پشت هر حادثه، نام‌ها، داستان‌ها و فقدان‌های برگشت‌ناپذیری قرار دارد.

ج) مصادیق اعمال تروریستی

در جریان ناآرامی‌های اخیر، هنگامی که اعتراضات مسالمت‌آمیز عمداً توسط برخی عناصر به سوی خشونت سازمان‌یافته و اعمال تروریستی منحرف شد، نیروهای انتظامی و امنیتی ایران کوشیدند تا مطابق قوانین و مقررات حاکم، نظم و امنیت عمومی را بازگردانند.

اعمال مجرمانه ارتكابی علیه شهروندان عادی و نیز مأموران امنیتی و انتظامی با هدف «مرعوب کردن مردم» برای پیشبرد یک هدف سیاسی صورت گرفت. بنابراین، این اعمال به وضوح در حیطه تعریف تروریسم قرار می‌گیرد.

برخی از اعمال به حدی خشونت‌آمیز بودند که از نظر عمل مجرمانه (actus reus) (مانند زنده‌سوزاندن یا سربردن) شبیه اعمال ارتكابی توسط داعش بود و به شهادت تعداد زیادی از نیروهای انتظامی و نیز تعداد قابل توجهی از مردم عادی که در خیابان‌ها حضور داشتند، از جمله زنان و کودکان، رهگذران، کسبه و رانندگان وسایل نقلیه، و نیز شرکت‌کنندگان در اعتراضات انجامید. در برخی از این جرایم، انواع مختلف سلاح گرم و سرد، مواد منفجره دست‌ساز، قمه، تبر، چاقو و تیغ موکت‌بری توسط تروریست‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

در واقع، قبل، در حین و پس از ناآرامی‌ها، برخی سلول‌ها و شبکه‌های تروریستی توسط نیروهای انتظامی ایران کشف و دستگیر شدند و سلاح‌های آنان ضبط گردید. به عنوان چند نمونه، در تهران، زاهدان، کرمان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، سلول‌ها و شبکه‌های تروریستی کشف و دستگیر شدند که از جمله، سلاح گرم، مواد منفجره، مواد ساخت بمب تهیه و توزیع می‌کردند. در خرم‌آباد نیز یک باند ۵ نفره تروریستی در حال ذخیره‌سازی تسلیحات از جمله کلاشنیکف و مهمات جنگی کشف شد. در بسیاری از موارد کشف شده تاکنون، دستورالعمل‌ها و ارتباط با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی از جمله موساد به طور قطعی اثبات شده است.

۱. حمله به عموم مردم

شهروندان عادی به طور بی‌رحمانه‌ای و به صورت بی‌قاعده توسط تروریست‌ها هدف قرار گرفتند تا در میان مردم، رعب و وحشت ایجاد شود. این امر منجر به فقدان جان صدها ایرانی شد که یا در جریان کارهای روزمره خود یا در حین مشارکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز رخ داد. چند مثال در زیر آورده شده است.



بهار سیفی، کودک دوساله‌ای که با گلوله مستقیم تروریست‌ها به شهادت رسید.

بهار سیفی

جوان‌ترین قربانی اعمال تروریستی ۱۹ و ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶) در ایران، بهار ۲ ساله از نیشابور، استان خراسان رضوی، پس از بازگشت از خانه پدریزرگش با خانواده‌اش در عصر ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۹ ژانویه ۲۰۲۶)، با اصابت گلوله تروریست‌ها به سرش در آستانه در خانه‌شان جان باخت.

ملینا اسدی

در عصر ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ ژانویه ۲۰۲۶)، ملینا اسدی ۳ ساله همراه پدرش از خانه در کرمانشاه خارج شد تا شیر خشک و داروی سرماخوردگی از داروخانه ایتیاغ نماید. در راه بازگشت به خانه، ناگهان از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و جان باخت.



ملینا اسدی دختر سه ساله که در راه داروخانه در ۸ ژانویه ۲۰۲۶ در کرمانشاه با شلیک مستقیم به شهادت رسید.

آنیلا ابوطالبی

آنیلا کودک ۸ ساله اصفهانی در جریان ناآرامی‌های اخیر برای خرید با خانواده بیرون رفته بود و توسط اغتشاشگران در ناحیه شکم، چانه و پشت سر مورد اصابت گلوله مرگبار قرار گرفت. شواهد پزشکی قانونی حاکی از آن است که گلوله‌ها از نوع گلوله‌های درجه نظامی رژیم صهیونیستی بودند.



آنیلّا ابوطالبی دختر هشت ساله‌ای که با اصابت گلوله به ناحیه شکم، چانه و پشت سر وی در مسیر خرید بستنی به شهادت رسید. نتیجه گزارش پزشکی قانونی: شهادت در اثر اصابت گلوله‌های ساخت رژیم صهیونیستی!

علی اکبر زارعی

علی پسر ۱۸ ساله‌ای بود که در جریان آتش‌سوزی عمدی مسجد سیدالشهدا (ع) در پاکدشت برای نجات هموطنانش وارد مسجد شد. پس از نجات چندین نفر از حریق، خود در شعله‌های آتشی که توسط تروریست‌ها برافروخته شده بود گرفتار شد و جان باخت.

ایلیا علیخانی

ایلیا یک دانش‌آموز ۱۷ ساله و در بروجن، استان چهارمحال و بختیاری، ساکن بود. ایلیا در اثر حمله تروریست‌ها جان باخت.

الهام زینلی

الهام زینلی پرستار فداکار بیمارستان امام علی (ع) در کرمانشاه بود که در راه بیمارستان برای شیفت شبانه خود تحت تیراندازی تروریست‌ها قرار گرفت و جان باخت.

مرضیه رضایی

مرضیه رضایی خانم ۴۱ ساله‌ای بود که حین ترک داروخانه به همراه همسرش توسط تروریست‌ها هدف قرار گرفت. او پسری ۱۴ ساله از خود به جای گذاشت.

مرضیه نبوی نیا

مرضیه نبوی‌نیا، پرستار ۳۴ ساله اهل لاهیجان، در درمانگاه امام سجاد (ع) رشت کار می‌کرد. در ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ ژانویه ۲۰۲۶)، هنگام کمک به بیماران، حتی پس از آنکه تروریست‌ها درمانگاه را به آتش کشیدند، از ترک بیماران تحت مراقبت خود از جمله افرادی که تحت درمان سرم بودند، خودداری کرد. پس از تخلیه آخرین بیمار، در اتاق پرستاران در دام شعله‌های آتش گرفتار شد و به شهادت رسید. مرضیه دختری ۳ ساله داشت.

مرضیه نبوی‌زاده

مرضیه نبوی‌زاده، پرستار و مادر یک کودک سه‌ساله، در اثر سوختگی شدید ناشی از آتش‌سوزی درمانگاه امام سجاد (ع) در رشت توسط تروریست‌ها جان باخت.

امیرعلی لطیفی

امیرعلی لطیفی از امدادگران داوطلب هلال احمر در رشت بود که هدف گلوله تروریست‌ها قرار گرفت و جان باخت.

۲. هدف قراردادن نیروهای مجری قانون

پس از آنکه اعتراضات مسالمت‌آمیز به اغتشاش منحرف شد، نیروهای مجری قانون نهایت تلاش خود را به کار بستند تا حتی در مقابل اغتشاشگرانِ خشونت‌طلب حداکثر خویشتن‌داری را نشان دهند. وقتی تروریست‌ها وارد عمل شدند، نیروی انتظامی خود قربانی اعمال خشونت‌آمیز تروریستی شد. در زیر نام چند تن از صدها مأمور پلیس و امنیتی که مستقیماً توسط تروریست‌ها هدف قرار گرفتند، ذکر شده است.

قدرت‌الله منجذب

قدرت‌الله منجذب، ۶۵ ساله، جانباز جنگ تحمیلی و عضو نیروی انتظامی بود که در مرودشت استان فارس چندین بار توسط چاقوی تروریست‌ها مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسید.

قاسم عزیزی

در عملیاتی به سبک داعش، قاسم که تنها ۲۵ سال داشت و عضو نیروی انتظامی بود و دو ماه بود که نامزد کرده بود، در اراک توسط چاقو مورد اصابت قرار گرفت، گلویش بریده شد، به تیر برق بسته و سوزانده شد.

در استان لرستان، هادی زمانی، کاظم کوشکی و سید محمدجواد منور در بروجرد و در خرم‌آباد، مصطفی بیرانوند مستقیماً توسط تروریست‌ها در جریان اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴ هدف قرار گرفتند. در استان خراسان رضوی، در مشهد، فرج‌الله شوشتری، حمید یوسفی‌نژاد و هادی یزدانی، اعضای نیروی انتظامی، به طور وحشیانه‌ای توسط تروریست‌ها به شهادت رسیدند. در کلاله، استان گلستان، علیرضا شرفی‌منش، پدر یک دانش‌آموز دبستانی، در ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ ژانویه ۲۰۲۶) به طور وحشیانه‌ای توسط تروریست‌ها به شهادت رسید.



تروریست‌های مسلح در حال شلیک مستقیم به مردم عادی و نیروی انتظامی



برخی از اعضای نیروی انتظامی و امنیتی که در طی ناآرامی‌های ۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶ توسط تروریست‌ها به شهادت رسیدند.



برخی از سلاح‌های بسیاری که از تروریست‌ها ضبط شد و برای هدف قرار دادن مستقیم مردم و نیز نیروی انتظامی مورد استفاده واقع شد. به عنوان نمونه، تنها در یک مورد در استان آذربایجان غربی، ۱۰۰ قبضه سلاح کمری توسط پلیس از تروریست‌ها کشف و ضبط شد.

(د) تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی تروریسم به طور صریح به عنوان جرمی جدی تحت حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته و ممنوع شده است. سرکوب آن صرفاً یک اقدام تکمیلی نیست، بلکه یک رکن اساسی از معماری جهانی مقابله با تروریسم است و به اندازه اقدام عملی مستقیم علیه اعمال تروریستی حیاتی تلقی می‌شود. قطع منابع مالی، توان عملیاتی گروه‌های تروریستی را خفه می‌کند و برنامه‌ریزی، استخدام، لجستیک و اجرای حملات آن‌ها را مختل می‌سازد. ابزارهای بین‌المللی اصلی جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم به شرح زیر است:

قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت سازمان ملل متحد

این قطعنامه که تحت فصل هفتم منشور ملل متحد تصویب شده است، از نظر قانونی برای تمامی کشورهای عضو ملل متحد الزام‌آور است. این قطعنامه به صراحت اعلام می‌دارد که دولت‌ها باید:

- از تأمین مالی اعمال تروریستی پیشگیری و آن را سرکوب کنند.
- ارائه یا جمع‌آوری عمدی وجوه را با قصد یا علم به اینکه قرار است برای انجام اعمال تروریستی استفاده شوند، جرم‌انگاری کنند.
- بدون تأخیر وجوه و سایر دارایی‌های مالی افراد و نهادهای درگیر در تروریسم را مسدود کنند.

کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)

این معاهده با ایجاد یک چارچوب حقوقی جهانی، جرم تأمین مالی تروریسم را تعریف کرده و از دولت‌ها می‌خواهد قوانینی برای تعقیب و مجازات افرادی که وجوهی را برای اعمالی با قصد ایجاد مرگ یا صدمات جدی بدنی برای غیرنظامیان با هدف مرعوب کردن یک جمعیت تأمین می‌کنند، وضع نمایند. این کنوانسیون همچنین برای همکاری بین‌المللی در انجام تحقیقات و استرداد مجرمین تعهد ایجاد می‌کند.

شواهدی از تأمین مالی تروریسم در ناآرامی‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، امیر نصیرزاده، در دیدار با وابستگان نظامی سفارتخانه‌های خارجی در تهران، اظهار داشت که «جلسات مشترکی در یکی از کشورهای منطقه برگزار شده است که در آن سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و برخی کشورهای غربی برنامه‌های خاص خود را برای افزایش بودجه با هدف ایجاد آشوب در کشور ما ارائه کرده‌اند. در آن جلسه، حتی نرخ‌هایی برای خرابکاری در ایران تعیین شد: کشتن هر نفر ۵۰۰ میلیون تومان، سوزاندن هر وسیله نقلیه ۲۰۰ میلیون تومان، آتش زدن کلانتری‌ها ۸۰ میلیون تومان و هر اقدام خرابکارانه دیگر ۱۵ میلیون تومان». امیر نصیرزاده تأکید کرد که «فردی دستگیر شده است که ۹۰۰ میلیون تومان برای چنین اقداماتی دریافت کرده است».

فصل چهارم) مداخله خارجی

اصل عدم مداخله یک اصل تثبیت شده در حقوق بین الملل و نتیجه منطقی حاکمیت برابر دولت ها است. این اصل که از منشور ملل متحد نشئت می گیرد، در چندین سند بین المللی از جمله قطعنامه مجمع عمومی ۲۶۲۵ (XXV) در خصوص اعلامیه اصول حقوق بین الملل در رابطه با روابط دوستانه و همکاری میان دولت ها مطابق با منشور ملل متحد مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ و قطعنامه مجمع عمومی ۲۱۳۱ (XX) در مورد اعلامیه غیرقابل قبول بودن مداخله در امور داخلی دولت ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن ها، مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵، و نیز اعلامیه غیرقابل قبول بودن مداخله و دخالت در امور داخلی دولت ها مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۱، مورد تأکید مجدد قرار گرفته است.

در هفته های اخیر، این اصل در رابطه با جمهوری اسلامی ایران با اظهارات مداخله جویانه برخی اشخاص در مورد اعتراضات اخیر در ایران که به وضوح در حیطه امور صرفاً داخلی کشور قرار می گیرد، به شدت مورد تهدید قرار گرفته است.

مدارک زیادی در مورد نقش فعال برخی عوامل اطلاعاتی خارجی در شعله ور کردن ناآرامی ها و بسیج اغتشاشگران در صحنه وجود دارد. این امر مبتنی بر یک دستور کار از پیش برنامه ریزی شده بوده که ابتدا در قالب اعتراضات مسالمت آمیز پنهان شده و سپس با سلاح عریان در روشنایی روز عملیاتی شده است. این موضوع توسط برخی شخصیت های عمومی مانند مقامات ترک و صرب نیز مورد تأیید مجدد قرار گرفته و توسط رسانه های خبری متعددی از جمله رویترز و وال استریت ژورنال گزارش شده است. با این حال، پیام های مستقیم صریح برخی مقامات دولتی فعلی و سابق نیازی به شواهد بیشتری ندارد.

در این چارچوب، مستندات گسترده ای وجود دارد که نشان دهنده مشارکت واقعی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در فعالیت های تروریستی انجام شده در جریان ناآرامی ها است. رسانه های اسرائیلی مملو از ادعاهایی است که آنان در حال طراحی عملیات در داخل ایران هستند. مایک پمپئو، رئیس پیشین سازمان سیا، پستی در شبکه اکس منتشر کرد که در آن حاوی تبریک سال نو «به هر ایرانی در خیابان ها [و] همچنین هر عامل موساد که در کنار آنان راه می رود» بود. این یک اقرار صریح است که عوامل موساد به طور فعال اعمال تروریستی را در میان اغتشاش گران تحت هدایت فرماندهان خود تحریک می کنند.

بارزتر از آن، در ۲ بهمن ۱۴۰۴ (۲۱ ژانویه ۲۰۲۶)، وزیر خزانه داری آمریکا اقرار کرد که هدف از تحریم ها شعله ور کردن ناآرامی در ایران بوده است. «این [تحریم ها] کارساز بود زیرا در دسامبر، اقتصاد آن ها فروپاشید. شاهد ورشکستگی یک بانک بزرگ بودیم. بانک مرکزی شروع به چاپ پول کرده است. کمبود دلار وجود دارد. آن ها قادر به واردات نیستند و این دلیل حضور مردم در خیابان ها است» بسنت در گفت و گو با فاکس نیوز در

حاشیه مجمع جهانی اقتصاد در داووس گفت: «این دیپلماسی اقتصادی است. هیچ تیری شلیک نشده. اوضاع اینجا به شکلی بسیار مثبت در حال حرکت است.» این گفته‌ها گویای علل ریشه‌ای اعتراضات در ایران و انحراف عمدی و طراحی شده آن به اغتشاشات مسلح خشونت‌آمیز است.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهارات به صراحت مداخله‌جویانه‌ای در مورد تحولات داخلی ایران کرده و خود را دلسوز مردم ایران نشان داده است. چنین ادعاهایی به شدت فریبنده است، به ویژه با توجه به اقدامات تجاوزکارانه این رژیم علیه ایران که منجر به کشته شدن بیش از ۱۱۰۰ شهروند ایرانی شد. دهه‌ها اقدام مجرمانه رژیم صهیونیستی علیه مردم ایران (که اغلب با هماهنگی شرکای آن صورت گرفته) را نمی‌توان با مانورهای لفظی یا رفتارهای ریاکارانه پنهان کرد.



Mike Pompeo ✓
@mikepompeo

Follow

The Iranian regime is in trouble. Bringing
in mercenaries is its last best hope.

Riots in dozens of cities and the
Basij under siege — Mashed, Tehran,
Zahedan. Next stop: Baluchistan.

47 years of this regime; POTUS 47.
Coincidence?

Happy New Year to every Iranian in the
streets. Also to every Mossad agent
walking beside them...

پست مایک پمپئو در شبکه اجتماعی ایکس در بجنوبه اعتراضات مسالمت‌آمیز ایران در ژانویه ۲۰۲۶
پیش از آغاز آشوب‌های مسلحانه.



یک پست در شبکه اکس توسط یک حساب که ادعا می‌شود وابسته به موساد، آژانس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی است، به زبان فارسی: «با هم به خیابان بیایید، وقتش رسیده. ما همراه شما هستیم. نه تنها از راه دور و شفاهی. در میدان نیز همراهتان هستیم.»

واضح است که رژیم صهیونیستی به دنبال سوءاستفاده از هر فرصتی برای ایجاد تفرقه در جامعه ایرانی و تضعیف انسجام ملی است. اظهارات و اقدامات اشخاصی مانند نخست‌وزیر این رژیم، و نیز برخی مقامات افراتی و تندرو آمریکایی، در عمل معادل تحریک به خشونت، تروریسم و اعمال مجرمانه است. مردم ایران از نیت واقعی پشت چنین رفتارهایی کاملاً آگاهند و فریب این روایت‌ها را نخواهند خورد.

جمهوری اسلامی ایران به شدت اظهارات مداخله‌جویانه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و دیگر مقامات آمریکایی در مورد امور داخلی ایران را محکوم می‌کند. چنین مواضع قهرآمیز و غیرقانونی، نقض آشکار اصول بنیادین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، به ویژه اصول حاکمیت و عدم مداخله است و در عمل، معادل تشویق خشونت و تروریسم علیه شهروندان ایرانی است.

در ۱۳ دی ۱۴۰۴ (۲ ژانویه ۲۰۲۶)، رئیس‌جمهور ایالات متحده بیانیه‌ای در مورد مداخله در امور ایران صادر کرد. این اظهارات نمونه دیگری واضح از مداخله در امور داخلی یک کشور عضو سازمان ملل متحد و نقض حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است. در بیانیه‌ای که معادل تحریک به خشونت، ناآرامی و اعمال تروریستی در داخل ایران است، رئیس‌جمهور ایالات متحده جمهوری اسلامی ایران را به طور آشکارا با استفاده از زور و مداخله تهدید کرد و اعلام نمود: «ما آماده و مسلح و آماده حرکت هستیم».

آنچه به طور خاص موجب نگرانی است، این است که این اظهارات بی‌پروا، بی‌سابقه نیست. تنها چند روز قبل، رئیس‌جمهور ایالات متحده به طور عمومی جمهوری اسلامی ایران را، از جمله با طرح احتمال تجدید حملات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز و قابلیت‌های دفاعی ایران، به استفاده از زور تهدید کرده بود. این اظهارات مکرر و عمدی، الگوی ثابتی از رفتار غیرقانونی ایالات متحده را نشان می‌دهد و تهدیدی واضح، صریح و غیرقانونی به استفاده از زور علیه یک دولت مستقل، و نیز مداخله در امور داخلی آن است. چنین تهدیداتی صرف نظر از بهانه‌های سیاسی یا چارچوب‌بندی لفظی، طبق حقوق بین‌الملل ممنوع است. هرگونه تلاش برای تحریک، تشویق یا مشروعیت‌بخشی به ناآرامی‌های داخلی به عنوان بهانه‌ای برای فشار خارجی یا مداخله نظامی، نقض فاحش

حاکمیت، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران، نقض آشکار حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، از جمله مواد ۲ (۱) و ۲ (۴)، و نیز قطعنامه مجمع عمومی ۲۶۲۵ (XXV) سال ۱۹۷۰ است. علاوه بر این، طبق حقوق بین‌الملل، تشویق، حمایت یا تسهیل فعالیت‌های براندازانه یا خشونت‌آمیز در داخل کشور دیگر، یک اقدام متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شود که مستقیماً مسئولیت دولت مداخله‌گر را به همراه دارد.

با یادآوری سابقه طولانی مداخلات مجرمانه دولت‌های متوالی آمریکا در امور داخلی ایران، جمهوری اسلامی ایران هر ادعای نگرانی برای مردم ایران را ریاکارانه و با هدف فریب افکار عمومی و پنهان کردن جنایات گسترده مرتکب‌شده علیه ایرانیان می‌داند. سرنگونی پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) و کشته شدن ۳۰۰ غیرنظامی بی‌گناه؛ همدستی با رژیم صهیونیستی در حملات به تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان و زیرساخت‌های حیاتی در خرداد ۱۴۰۴ (ژوئن ۲۰۲۵)؛ اعمال ترور و ارباب علیه اتباع ایرانی؛ و دهه‌ها تحریم غیرقانونی، غیرانسانی و قهرآمیز علیه حقوق اساسی و معیشت مردم ایران، شواهد واضح و انکارناپذیر خصومت نسبت به ایران و مردم آن است.

اعمال گسترده اقدامات قهرآمیز یکجانبه در سال‌های اخیر، تأثیری مستقیم و نامطلوب بر بهره‌مندی مردم ایران از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان داشته است. این اقدامات غیرقانونی، منابع مالی کشور را به شدت محدود کرده، تجارت و سرمایه‌گذاری را مختل کرده، دسترسی به کالاها و خدمات ضروری را با مشکل مواجه ساخته و در نتیجه، فشارهای اقتصادی بر شهروندان عادی را تشدید کرده است.

اگرچه این اقدامات قهرآمیز یکجانبه توسط آمریکا و متحدانش علیه دولت‌های ثالث و در نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بین‌الملل اعمال شده‌اند، اما یکی از علل اولیه اعتراضات هستند؛ این تحریم‌های یکجانبه به عنوان ابزاری برای ایجاد اعتراضات مورد استفاده قرار گرفته‌اند که با مشارکت مستقیم سلول‌های تروریستی بدنام منطقه، بیشتر به سوی تخریب اموال و اعمال تروریستی تبدیل شده‌اند.

بر اساس حقوق بین‌الملل، آمریکا و رژیم صهیونیستی به واسطه تهدید به استفاده از زور و نیز مداخله در امور داخلی ایران مسئولیت بین‌المللی بر عهده دارند. نقض ماده ۲ (۴) منشور ملل متحد و ماده ۲ (۷) منشور، این مسئولیت را به همراه تعهد به جبران تمام خسارات به همراه دارد. علاوه بر این، طبق ماده ۸ طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، رفتار یک شخص یا گروهی از اشخاص در صورتی که آن اشخاص طبق دستور یا تحت هدایت یا کنترل آن دولت عمل کنند، به عنوان عمل یک دولت تلقی می‌شود. آمریکا، به ویژه، متعهد است که اعمال متخلفانه خود را متوقف کرده و جبران مذکور را از طریق عذرخواهی و جبران تمام خسارات مادی و معنوی وارده به ملت ایران محقق سازد. این موضوع به ویژه با توجه به نقش اعلام‌شده آمریکا در تحریک، تشویق و آرایه کمک یا مساعدت، هدایت و کنترل در رابطه با اعمال تخریب و تروریسم در ایران قابل طرح می‌باشد.

فصل پنجم) استفاده از رسانه برای تحریک به ارتکاب تروریسم

اعتراضات مسالمت‌آمیزی که در روزهای ابتدایی دی ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) با درخواستی مشروع از بازرگانان و فعالان اقتصادی همراه با دعوت به اقدامات اصلاحی اقتصادی آغاز شد، با حداکثر خویشتن‌داری از سوی نیروهای امنیتی مواجه گردید. با این حال، از همان ابتدا، برخی شبکه‌های ماهواره‌ای و حساب‌های شبکه‌های اجتماعی در پلتفرم‌های مختلف نقش مهمی در ترویج خشونت و اعمال تروریستی در ناآرامی‌های اخیر ایفا کردند. در نتیجه، چنین شبکه‌ها و حساب‌هایی نهایت تلاش خود را کردند تا این تظاهرات کاملاً مسالمت‌آمیز را به اعمال خشونت‌آمیز خرابکارانه و تروریستی تبدیل کنند. ایران اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی، من و تو، رادیو فردا، و حساب‌های مختلف در اینستاگرام تنها چند مثال هستند.

در این رابطه، نقش شبکه ماهواره‌ای ایران اینترنشنال محوری است. این شبکه که توسط آژانس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی هدایت می‌شود، سابقه‌ای شناخته شده در تحریف واقعیت، جعل اخبار و سایر اقدامات مشابه دارد.

در ناآرامی‌های اخیر ایران، این شبکه این اقدامات را از جمله از طریق ارتکاب موارد زیر تشدید کرده است:

- ترویج نفرت علیه افراد عادی، نیروهای نظامی و انتظامی، و نهادهای مذهبی در نقض اسناد حقوق بشری، که منجر به صدها حمله به مساجد و مؤسسات آموزشی شد؛ در برخی موارد آتش سوزی گسترده بخش‌هایی از شهرها را فرا گرفت و به کشته شدن بسیاری از افراد، از جمله با زنده‌سوزاندن آنان در حالی که از اماکن عبادی خود دفاع می‌کردند، انجامید.

- تشویق به حمله به بانک‌ها به عنوان «مراکز پول‌شویی»؛ رسانه‌های ایرانی، روزنامه‌ها و نشریات به عنوان «مراکز تبلیغاتی رژیم»، و سایر اعمال خشونت‌آمیز مشابه، که مطابق با کنوانسیون‌های مرتبط نمونه‌های واضحی از تروریسم است.

- تحریک ایرانیان مقیم خارج به نقض مصونیت سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران، بر خلاف مقررات کنوانسیون‌های وین در خصوص روابط دیپلماتیک و کنسولی ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳.

- ارایه آمار کاملاً جعلی و نادرست در مورد تعداد قربانیان در ناآرامی‌ها و نسبت دادن آن‌ها به نیروهای امنیتی، با هدف تحریک اعمال تروریستی جدید و کشته‌سازی‌های جدید.

رضا پهلوی، پسر آخرین شاه ایران که در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ برکنار شد، بسیار نزدیک با ایران اینترنشنال در سازماندهی اعمال خشونت‌آمیز و تروریستی همکاری می‌کند که هر دو به وضوح توسط آژانس‌های

اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی هدایت و پشتیبانی می‌شوند. تنها به عنوان یک نمونه، در پستی در حساب اینستاگرام خود در ۱۸ دی ۱۴۰۴ (۷ ژانویه ۲۰۲۶)، پهلوی یک کد QR را در پخش زنده ایران اینترنشنال به عنوان «تنها راه ایمن برای ثبت‌نام در پلتفرم ملی همکاری خود» به اشتراک گذاشت. در ویدیوی دیگری در حساب اینستاگرامش در ۲۳ دی ۱۴۰۴ (۱۲ ژانویه ۲۰۲۶)، او مردم را به حمله به «تمام سازمان‌های مسئول تبلیغات نظام» به عنوان «اهداف مشروع» تحریک کرد. او همچنین مردم را به نقض مصونیت سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران تشویق کرد و گفت: «آن‌ها را با پرچم ملی [سابق] ایران به جای پرچم جمهوری اسلامی تزئین کنید». این ویدیوها بارها توسط شبکه ماهواره‌ای ایران اینترنشنال پخش شد.

در ویدیوهای منتشر شده در ۱۸ و ۲۳ دی ۱۴۰۴ (۷ و ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶) در حساب اینستاگرام رضا پهلوی، او هماهنگی نزدیک خود با ایران اینترنشنال را نشان می‌دهد و مردم را به نقض مصونیت مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی ایران و حمله به زیرساخت‌های ارتباطی تشویق می‌کند. این ویدیوها بارها در ایران اینترنشنال پخش شده‌اند.	

در ناآرامی‌های اخیر، ایران اینترنشنال کاملاً کمپین تبلیغاتی خود را با طرح از پیش برنامه‌ریزی شده آمریکا و رژیم صهیونیستی هماهنگ کرده است. این شبکه برای تسهیل اعمال تروریستی عوامل و رهبران میدانی از طریق تشویق جوانان به پیوستن به آنان و اقدام تحت رهبری آنان بدون آنکه از نیت واقعی رسانه آگاه باشند، عمل کرده است.

اینستاگرام، سکوی دیگری است که به طور گسترده برای انتشار محتوای نفرت پراکنانه و غیرقانونی در جریان ناآرامی‌های اخیر استفاده شده است. اگرچه طبق شرایط و ضوابط اینستاگرام، استفاده از خدمات این سکو برای هر هدف غیرقانونی یا غیرمجاز ممنوع است و باید از قوانین محلی پیروی کرد، این سکو پیش از ناآرامی‌ها و در طول آن مملو از چنین محتواهایی بود. در واقع، هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد اینستاگرام برای مثال پستی را در حساب پهلوی که دعوت به حمله به زیرساخت‌های ارتباطی یا نقض مصونیت مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی کرده، حذف نموده یا حساب وی را طبق قوانین خود مسدود کرده است.

این اعمال و اقدامات به وضوح ماهیت مجرمانه دارند، در هر حوزه قضایی در سراسر جهان ممنوع هستند و با شدیدترین مجازات‌ها قابل تعقیبند. متأسفانه، انگلیس، آمریکا و سایر کشورهای میزبان ایران اینترنشنال و دیگر رسانه‌های مشابه، یا پخش‌کننده آن‌ها از طریق پلتفرم‌ها و ماهواره‌های خود، نسبت به اعمال مجرمانه آن‌ها چشم‌پوشی کرده‌اند که البته مانع مسئولیت آن‌ها طبق حقوق بین‌الملل نیست. جمهوری اسلامی ایران مصمم است تمامی کسانی را که در این زمینه مسئول هستند، هم در نظام قضایی خود و هم در مجامع بین‌المللی، به عدالت بسپارد.

علاوه بر این، طبق اصل ممنوعیت تحریک به خشونت، که به صریح‌ترین شکل در ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تدوین شده است، دولت‌ها ملزمند هرگونه تبلیغ نفرت پراکنانه‌ای را که محرک خصومت یا خشونت است، از طریق قانون ممنوع کنند. عدم اعمال حسن‌نیت لازم توسط یک دولت از نظر پیشگیری از سخنان نفرت پراکنانه و تحریک آمیز، و همچنین مداخله قاطعانه در برابر حملات خشونت‌آمیز، نقض تعهدات آن دولت طبق حقوق بین‌الملل است؛ انفعال نیز محیطی ایجاد می‌کند که چنین اعمال خشونت‌آمیزی را تسهیل و به طور ضمنی تأیید می‌نماید.

فصل ششم) حمله به اماکن دیپلماتیک و کنسولی

پس از اعتراضات مسالمت‌آمیز در ایران و همزمان با اعمال خشونت، برخی از اماکن دیپلماتیک و کنسولی جمهوری اسلامی ایران مورد اقدامات تخریب قرار گرفتند که امنیت کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایران را تهدید کرده، بر مصونیت اماکن مذکور تعدی کرده و تعهدات کشورهای پذیرنده را در این زمینه زیر سؤال برده است.

در برخی کشورها، افرادی که مجاز به برگزاری تظاهرات در نزدیکی اماکن دیپلماتیک و کنسولی ایران بودند، همان را به اغتشاش تبدیل کرده و اقدامات خرابکارانه‌ای از جمله سر دادن شعارهای توهین‌آمیز و دیوارنویسی مرتکب شده‌اند. در برخی کشورها، نیروی انتظامی کشورهای پذیرنده در حالی که اغتشاشگران پرچم نمایندگی را پایین می‌آوردند و در برخی موارد آن را سوزانده و با پرچم‌های جعلی جایگزین می‌کردند، نظاره‌گر بودند. این تجاوزات علاوه بر این واقعیت است که در برخی موارد کارکنان دیپلماتیک و کنسولی نیز مورد تهدید، ارباب و ضرب و شتم فیزیکی واقع شده‌اند.

در بن و هامبورگ، آلمان، در ۱۶ دی ۱۴۰۴ (۵ ژانویه ۲۰۲۶)، به حریم ساختمان‌های کنسولی از طریق ورود غیرقانونی تجاوز شد. در هامبورگ، پرچم مأموریت پایین آورده شد و یک پرچم غیرقانونی نصب شد.

در هلسینکی، فنلاند، در ۲۴ دی ۱۴۰۴ (۱۴ ژانویه ۲۰۲۶) یک متجاوز پرچم رسمی نمایندگی را پایین آورده و با یک پرچم جعلی جایگزین نمود. این تجاوز با تخریب همراه بود.

در بروکسل، بلژیک، اغتشاشگران به صراحت کارکنان دیپلماتیک را با «مرگ» و «زنده سوزانده شدن» تهدید کردند که معادل تشدید واضح رفتار خشونت‌آمیز، ایجاد فضایی رعب‌آمیز و ایجاد نگرانی‌های جدی در مورد امنیت و ایمنی کارکنان بود.

در وین، اتریش، یک مجوز نگران‌کننده طولانی‌مدت برای تظاهرات صادر شد (۲۳-۲۹ دی)، در حالی که آزار و اذیت علیه کارکنان ادامه یافت. به عنوان مثال، در ۲۰ دی ۱۴۰۴ (۹ ژانویه ۲۰۲۶)، عوامل دیپلماتیک ایرانی از نیم‌روز تا غروب آفتاب مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. در موردی دیگر، یکی از کارکنان در حین تردد از محل کار خود در ۲۴ دی ۱۴۰۴ (۱۳ ژانویه ۲۰۲۶) مورد حمله فیزیکی قرار گرفت.

در لندن، انگلیس، در ۲۲ دی ۱۴۰۴ (۱۱ ژانویه ۲۰۲۶)، متجاوزان به حریم سفارت تجاوز کردند، پرچم جمهوری اسلامی ایران را برداشتند و یک پرچم غیرقانونی نصب کردند، با پرتاب اشیای خطرناک از جمله سنگ مرتکب اقدامات خرابکارانه و ارباب شدند و در نتیجه خسارت ایجاد شده، امنیت نمایندگی را تضعیف و فضایی از رعب و وحشت ایجاد کردند.

در رباط، مراکش، در ۲۵ دی ۱۴۰۴ (۱۵ ژانویه ۲۰۲۶)، خرابکاران رنگ قرمز روی تابلوی سفارت و نشان رسمی جمهوری اسلامی ایران پاشیدند و شعارهای تهدیدآمیز بر دیوارهای سفارت نوشتند.

در کانبرا، استرالیا، متجاوزان به نمایندگی دیپلماتیک، پرچم را پایین آورده و تابلوها و دیوارهای سفارت را با رنگ تخریب کردند.

در ولینگتون، نیوزیلند، تجاوز به حریم سفارت با خسارت قابل توجه به زیرساخت امنیتی نمایندگی همراه بود.

در مادرید، اسپانیا، حریم سفارت توسط متجاوزان نقض شد.

نمونه‌های بالا از حمله به نمایندگی‌های دیپلماتیک و کنسولی، نمونه‌های واضح نقض حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دیپلماتیک و کنسولی بوده و لزوم توجه به احترام به مصونیت‌های این نمایندگی‌ها و وظایف مربوطه کشورهای پذیرنده را گوشزد می‌نماید.

الف) تعرض ناپذیری اماکن دیپلماتیک و کنسولی

کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱) و کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی (۱۹۶۳)، به عنوان معاهدات زیربنایی این حوزه، مصونیت اماکن دیپلماتیک و کنسولی را برقرار کرده و مسئولیت کشور پذیرنده را برای حفاظت از اماکن مأموریت‌ها برمی‌شمارند.

ماده ۲۲ (۲) کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک مقرر می‌دارد که کشور پذیرنده موظف است تمامی اقدامات مقتضی را برای حمایت از ساختمان‌های نمایندگی در مقابل هرگونه تجاوز یا خسارت و جلوگیری از هرگونه اخلال در آرامش مأموریت یا لطمه به حیثیت آن به عمل آورد.

یک تعهد تقریباً یکسان و به همان اندازه الزام‌آور برای مأموریت‌های کنسولی در ماده ۳۱ (۳) کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی (۱۹۶۳) پیش‌بینی شده است.

این کنوانسیون‌ها امنیت فردی، آزادی و حیثیت کارکنان دیپلماتیک و کنسولی را تضمین می‌کنند. تهدیدات خشونت‌آمیز، مانند تهدید به قتل یا سوزاندن، نقض شدید این تعهدات بنیادین محسوب می‌شود.

وظیفه ویژه حفاظت از اماکن دیپلماتیک خارجی شامل تعهد به جلوگیری از هرگونه اخلاف در آرامش نمایندگی است. این امر مستلزم آن است که کشور پذیرنده تظاهرات را در فاصله معقولى از اماکن دیپلماتیک و کنسولی نگاه داشته و اطمینان حاصل نماید که کارکنان نمایندگی و مراجعین همچنان قادر به دسترسی به نمایندگی بوده و مورد آزار و اذیت قرار نمی گیرند. حتی صدور اجازه برای ایجاد سر و صدای آزاردهنده مانند موسیقی بلند در مقابل یک نمایندگی با هدف آزار و اذیت کارکنان نمایندگی، نقض آشکار ماده ۲۲ (۲) کنوانسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک است.

ب) وظایف کشور پذیرنده

کشور پذیرنده موظف است ایمنی و امنیت کارکنان و اماکن دیپلماتیک و کنسولی را از جمله از طریق استقرار مأموران و تجهیزات انتظامی کافی در زمان ناآرامی تضمین نماید.

در صورت عدم انجام، کشور پذیرنده به وضوح مسئول باقی می ماند. مطابق با حقوق بین الملل عرفی، همان طور که در طرح پیش نویس مواد کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسئولیت دولت ها برای اعمال متخلفانه بین المللی منعکس شده است، یک دولت در قبال اعمال متخلفانه خود، یعنی عدم انجام تعهدات خود ذیل کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین، شامل عدم حفاظت، یا اجرای وظایف خود در جلوگیری از تجاوز به اماکن دیپلماتیک، حمله به نمادهای آن ها (مانند پرچم)، یا تهدید علیه کارکنان، مسئولیت بین المللی دارد.

از این رو، کشور پذیرنده موظف است جبران خسارت کامل را بابت ترک فعل های صورت گرفته برعهده گیرد. این امر شامل توقف و عدم تکرار، جبران معنوی (این ممکن است شامل عذرخواهی رسمی، تصدیق نقض، یا تعقیب مجرمان باشد) و جبران خسارت است. دولت مسئول موظف است غرامت مالی برای هرگونه خسارات مادی و معنوی وارده ارائه دهد. این امر می تواند خسارات به اموال (مانند نمایندگی) و از همه مهم تر، جبران خسارت روانی و تهدید امنیتی صورت گرفته علیه کارکنان نمایندگی را در برگیرد.

انتظار جدی و مشروع جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای پذیرنده، به ویژه در پایتخت های یادشده فوق، حسن نیت لازم را برای اتخاذ تمامی اقدامات لازم به منظور جلوگیری از نقض بیشتر مصونیت و حیثیت اماکن و کارکنان دیپلماتیک و کنسولی جمهوری اسلامی ایران به کار بندند، و در صورت لزوم، تعهدات جبرانی خود را فوراً انجام دهند.

سخن پایانی

عملیات تروریستی سازمان‌یافته اخیر یک بار دیگر «ماهیت واقعی رفتار ایالات متحده نسبت به ایران» را آشکار کرد، در حالی که پرسش بزرگ‌تری را برای جامعه بین‌الملل در مورد مداخله خارجی در امور دولتهای مستقل مطرح می‌کند.

خشونت‌های انجام شده بین ۱۹ تا ۲۱ دی ماه (۸ تا ۱۰ ژانویه)، اعتراضات خودجوش نبوده، بلکه بخشی از یک پروژه حساب‌شده و سازمان‌یافته با پشتیبانی آمریکا و رژیم صهیونیستی بودند. آموزش، تجهیز و هدایت عناصر مجرم، تحریک صریح به خشونت، و تلاش برای بی‌ثبات کردن امنیت داخلی ایران، همه اجزایی هستند که این رویدادها را فراتر از اعتراضات مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد. در عوض، آن‌ها نمایانگر اعمال تروریستی هستند که در طی آن گروه‌های تروریستی حملات مسلحانه علیه غیرنظامیان، نیروهای امنیتی و زیرساخت‌های عمومی را به عنوان وسیله‌ای برای به انحراف کشاندن اعتراضات اقتصادی انجام دادند. این انحراف از اعتراضات مسالمت‌آمیز به اقدامات تروریستی قطعاً پیامدهای قابل توجهی وفق حقوق بین‌الملل خواهد داشت.

این حملات با اظهارات آتشین رئیس‌جمهور آمریکا که تهدید به تجاوز نظامی تازه علیه ایران در نقض آشکار منشور ملل متحد کرده بود، شعله‌ور شد.

مقامات اطلاعاتی تأیید کرده‌اند که عناصر اغتشاشگر با پشتیبانی آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال مصادره اعتراضات و شعله‌ور کردن هرج و مرج به عنوان وسیله‌ای برای هموار کردن راه این امر بودند. این ناآرامی منجر به خسارت گسترده به زیرساخت‌های عمومی، از جمله مساجد، مؤسسات آموزشی، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، تأسیسات برق و فروشگاه‌های عمومی، و نیز کشته شدن پرسنل امنیتی و غیرنظامیان شد. میزان تخریب نشان‌دهنده قصد اغتشاشگران برای مختل کردن نظم عمومی و گسترش ترس در جامعه بود.

با تأیید وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، ده‌ها شهروند و پرسنل امنیتی ایرانی که توسط تروریست‌ها به شهادت رسیده‌اند از حمایت اطلاعاتی، عملیاتی، لجستیکی و مالی واشنگتن و آژانس جاسوسی موساد رژیم صهیونیستی برخوردار بوده‌اند.

این رویدادهای غم‌انگیز، استانداردهای دوگانه آمریکا و متحدان غربی آن و حمایت آن‌ها از نهادهای تروریستی مانند سازمان منافقین که دستان‌شان به خون هزاران شهروند و مقام ایرانی آلوده است، و رژیم صهیونیستی که ده‌ها هزار نفر را در سراسر منطقه کشته است، برجسته کرد.

اگرچه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی پس از شکست تجاوز نظامی مشترک‌شان علیه کشور در خرداد سال گذشته (ژوئن ۲۰۲۵)، در اغتشاشات تروریستی اخیر در ایران شکست دیگری را متحمل شدند، آمریکا و رژیم صهیونیستی باید به عنوان طراح اصلی فتنه اخیر در کشور پاسخگو نگه داشته شوند.

جمهوری اسلامی ایران حق کامل خود را برای پیگیری مسئولیت ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از طریق کلیه راه‌های قانونی موجود و تعقیب جبران خسارات ناشی از مشارکت آن‌ها در اعمال خلافشان در جمهوری اسلامی ایران محفوظ می‌دارد.

از سوی دیگر و در مورد حق تجمع مسالمت‌آمیز در جمهوری اسلامی ایران، این حق در ایران همانند حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال آن از مداخله خارجی، حقی محترم است. با این حال، تخریب اموال و تروریسم با تحریک و حمایت سایر کشورها، نظم عمومی و امنیت ملی را تضعیف می‌کنند و توسط دولت‌های مستقل و حاکم تحمل نمی‌شوند.

اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ (ژانویه ۲۰۲۶) در ایران توسط بخش اقتصادی و بازرگانان ایرانی به دلیل برخی مشکلات اقتصادی آغاز شد. با وجود این، علت ریشه‌ای این اعتراضات، اقدامات قهرآمیز یکجانبه بی‌سابقه آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران در نقض اصول اولیه حقوق بین‌الملل است. ماهیت از پیش طراحی‌شده چنین اعتراضاتی بعداً از طریق مشارکت فعال سلول‌های تروریستی با حمایت مالی و مادی آمریکا و رژیم صهیونیستی آشکار شد. خسارت وارده به مردم ایران و به ویژه آنانی که عزیزان خود را به دلیل تحریک مستقیم جنایتکاران آمریکایی و صهیونیستی از دست دادند، بر دوش این دو است. در عین حال، مسئولیت بین‌المللی تمامی کشورهایی که تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی را پناه می‌دهند و حمایتی از هر نوع از آن‌ها به عمل می‌آورند، غیرقابل تردید است.

جمهوری اسلامی ایران به تمامی تهدیدات علیه حاکمیت، تمامیت ارضی و امنیت خود کاملاً واقف است. این تهدیدات که دهه‌ها سابقه داشته و در دشمنی با ارزش‌های دیرینه ایران ریشه دارد در عصر کنونی نه تنها از دستورکار شرورانه مخالفانش از طریق تبلیغات و رسانه‌های تروریستی سرچشمه می‌گیرد، بلکه بازتاب تلاش‌های ناموفق دشمنان برای بی‌ثبات کردن کشور و به خطر انداختن امنیت آن در طی دهه‌ها است.

تحریم‌های یکجانبه شرورانه همچنان به عنوان علت اصلی بی‌ثبات‌سازی اقتصادهای ملی باقی می‌مانند. ناآرامی‌های اخیر در ایران باید زنگ خطری برای دیگر کشورها در مورد ماهیت مداخله‌جویانه و به شدت بی‌ثبات‌کننده ماجراجویی اقتصادی یکجانبه باشد. این می‌تواند برای هر کشوری اتفاق بیفتد. در واقع، ایران آموخته است که اقتصاد خود را به یک‌جانبه‌گرایی تجاری هژمونیک آمریکا وابسته نکند؛ چنین وابستگی خطر ماجراجویی‌های مداخله‌جویانه‌ای را دارد که می‌تواند هزینه‌ای گزاف بر جمعیت‌های هدف تحمیل کند. ایران ثابت کرد که چنین تلاش‌هایی در ایران کارساز نیست. سایر ملل بالقوه چطور؟ به نظر می‌رسد تا زمانی که اقدامات قهرآمیز یکجانبه بازپچه قرار گرفته و توسط همه دولت‌های عضو سازمان ملل متحد مسلم فرض نشوند، کسی از چنین توطئه‌هایی در امان نباشد.

با توجه به موارد فوق، حقوق بین‌الملل همچنان در تقاطع خطرناک منافع کوتاه‌بینانه و ماجراجویی بی‌ثبات‌کننده یک‌جانبه‌گرایی قرار دارد. با این حال، این سؤال باقی است؛ جامعه ملل چه زمانی آماده خواهد شد

تا اقدام مؤثری علیه اثر بومرنگ‌گونهٔ یک‌جانبه‌گرایی انجام دهد؟ چه هزینه‌ای باید پرداخت شود قبل از آنکه ملت‌های آزاد، نظام‌های حقوقی خود را از شمشیر دم‌کلسی که آمریکا بر اقتصاد آن‌ها نگه داشته است، رها کنند؟ هنوز باید ببینیم؛ اما تا آن زمان، آنانی که تروریست‌ها را پناه می‌دهند و حمایت می‌کنند، به ویژه جنایتکاران آمریکایی و رژیم صهیونیستی، وفق حقوق بین‌الملل پاسخگو باقی می‌مانند و ایران حق خود را برای محاکمه آنان از طریق روش‌های قانونی از جمله در مجامع بین‌المللی مرتبط محفوظ می‌دارد.